

آغاز مبارزه شیعیان با حکومت عباسیان

شیعیان که با تلقی دریافتند که عباسیان ، از مبارزات و نیروهای انقلابی آنان ، برای رسیدن به حکومت و قدرت استفاده کرده‌اند ، سخت خشمگین شدند ، و این بار - پس از امویان - مبارزه با عباسیان را آغاز کردند .

موضع عباسیان در برابر انقلاب‌های شیعیان در نوسان بود .

از سال ۱۰۰ تا ۸۳۲ مقطع زمانی حساسی بود که در تعیین شکل روابط و مناسبات مابین علویان و پیروان آنان از یک سو ، و عباسیان از سوی دیگر ، نقش مهمی داشت .

بررسی حوادث این مقطع زمانی که هر

از تحولات و درگیریها بود ، انگیزه‌های

چشم‌ها و قیام‌های شیعیان را در دوره

اول حکومت عباسی (۱۳۲-۸۳۲ م)

روشن می‌سازد و بوی نشان میدهد که

چگونه روابط این دو خاندان ، گاه بصورت

پیوند و اتحاد ، و گاه به شکل برخورد و

تصادم بود ، اما هر دو ، در مبارزه با حکومت

اموی ، شریک و هم صدا بودند ، و همین

امر ، به آنها مهلت نمیداد که ابعاد و

لطف‌آوری بنده

بی شک اگر مبارزات شیعیان با حکومت فد اسلامی امویان نبود ، عباسیان مرکز نمی‌توانستند بر امویان پیروز گردند .

انقلاب‌های خونینی که توسط شیعیان در طول گسترش دعوت عباسیان (۱۰۰-۸۳۲ م)

به وقوع پیوست ، مانع از آن شد

که غشای اموی ، تنها در یک جبهه جنگیده

و تمام نیروی خود را برای رویارویی با

نمات‌های عباسیان که در حال توسعه و

گسترش بوده ، متمرکز سازند .

این انقلاب‌ها ، بسیاری از نیروها و

تلاش‌های حکومت امویان را به تحلیل

برد و همین امر ، به دعوت عباسیان کمک

نموده و راه را برای آنان صاف و هموار

ساخت .

نوسان مناسبات خاندان هاشمی

و عباسی

حدود ثابت روشها و مناسبات خود را مشخص سازند.

سرانجام ، این مبارزات و نبردها به نتیجه رسید ، حکومت بنی‌امیه سقوط کرد ، حکومت عباسیان روی کار آمد و پرده از روی هدف‌های اصلی عباسیان برافتاد و ماهیت حکومت آنان آشکار شد ...

با روی کار آمدن حکومت عباسیان ، شیعیان از شکر دهر زمان دیر روز خود ، سخت حشمگین و متأسف شدند ، زیرا دریافته‌اند که عباسیان از مبارزات آنان بهره برداری نموده و با قبضه کردن حکومت و خلافت ، نسبت به آنان خیانت کرده‌اند .

از این رو ، روابط مابین شیعیان و عباسیان سخت تیره شد و همین امر منجر به انقلاب‌ها و نهضت‌های شیعیان بر ضد حکومت عباسیان در دوره اول آن گردید .

برای شیعیان مسلم شد که ماهیت حکومت عباسیان نیز عیناً همان ماهیت پلید حکومت امویان است بلکه بر مراتب بدتر! زیرا عباسیان برای رسیدن به هدف خود ، تظاهر به دوستی و طرفداری از بنی‌هاشم نموده از نیروهای انقلابی شیعه بفتح خود بهره‌برداری کرده و به عنوان خونخواهی آنان به قدرت رسیده بودند ، ولی پس از استقرار حکومت خود ، شیعیان را مزاحم خویش می‌دانستند و به نابودی آنان مصمم بودند .

شگرد های سیاسی

از سال ۱۳۲ هـ که برای «ابوالعباس

سفاح» به عنوان نخستین خلیفه عباسی از مردم بیعت گرفته شد ، عباسیان ، لباس سیاه را به نشانه سوگواری بمناسبت مظلومیت و شهادت بنی‌هاشم ، شعار خود قرار دادند و برای تحکیم موقعیت خود ، در جلب عواطف توده‌های شیعه کوشش کردند و به انتساب خود بخاندان پیامبر ، تظاهر فوق‌العاده‌ای نمودند .

«ابوالعباس» در نخستین سخنرانی خود که در شهر «کوفه» مرکز شیعیان ایراد کرد ، کوشش زیادی به کار برد تا حکومت خود ، جنبه اسلامی و منسبی راستین بدهد از این گذشته در اثبات انتساب عباسیان به خاندان رسالت ، تأکید فراوان به کار برد و آیات مربوط به خاندان پاک پیامبر را که در قرآن مجید آمده ، قرائت و به عباسیان تطبیق کرد .

آنگاه سخن خود را با تجلیل از مردم کوفه به پایان برد و آنان را دوستدار خاندان پیامبر (به خاندان علی ا) معرفی نمود (۱)

در حالی که میدانیم کوفیان عموماً شیعه بودند و شیفتگی و علاقه فوق‌العاده‌ای به خاندان امیر مؤمنان (ع) داشتند ولی ابوالعباس عمداً علاقه آنان را بطور کلی متوجه خاندان پیامبر معرفی کرد تا شامل عباسیان نیز گردد و اینها همه برای این بود که دل شیعیان را بدست آورده از عکس‌العمل آنان جلوگیری نماید .

از طرف دیگر ، با وجود اخذ بیعت از لطفاً بنی را در سنه ۶۰ مقله فرات

۱- تاریخ طبری ج ۶ ص ۸۱-۸۳

آغاز مبارزه شیعیان با حکومت عباسیان

علوم انسانی و فلسفه
جامع علوم اسلامی

نگوئیم تنها فضا و قدر الهی، گرداننده چرخ.
 های تاریخ است آنان گروهی هستند که در
 گردش چرخ های تاریخ، عامل مستقل و
 مجزا از اراده و اختیار انسانها وجود دارد
 که مسیر حرکت تاریخ را معین می کند و
 انسانها را خوار و متاخر و به دنبال خود
 میکشد، چه بخوانند و چه نخوانند و آن
 عامل همان تقدیر عدا و قضاء الهی است
 در صورتی که قضاء و قدر باین معنی جزیه
 نوع جبری گری که مطالب صریح قرآن و
 خرد انسانی است، چیردگی نیست.
 از این جهت تفسیر تاریخ باین شکل مفهوم
 صحیح ندارد.
 معنی صحیح آن اینست که دین و

پایه از صفحه ۲۱

فلسفه تاریخ

بامبران در مسیر تاریخ بشر و تحولات
 بنیادی آن، نقش و سهم بزرگی داشته اند،
 هر گاه برای نوابع و دانشمندان جهان سهمی
 در تاریخ جامعه انسانی بدانیم باید برای
 عقاید مذهبی و پایه گذاران آن، سهم مهم
 تری قائل شویم نقش دین در تعلیم و تربیت
 در تزکیه و تهذیب نفوس، در ایجاد وحدت
 و یکپارگی در میان ملل، در تشریحها و صلحها
 برای تمدنی محضی است، و هم اکنون
 قدرت خود را در میان تمام ملل جهان حفظ
 کرده و ریشه بسیاری از انقلابهای جهانی
 و بنیادی پشمار میبرد، آری سرگز
 نمی توان، دین را عامل منحصر در کت تاریخ
 دانست.

مردم، اقامت طولانی در شهر کوفه (مرکز
 شیمان) برای ابوالعباس دشوار بود از
 اینرو شهر کوفه را ترک گفت و در شهر
 «النبار» در نزدیکی فرات، اقامت گزید
 و کاخ یا شکوهی در آنجا ساخت که نام
 آن را «به جای عباسیه» کاخ «هاشمیه»
 گذاشت و این هم یکی دیگر از شکوه
 های عباسیان برای جلب عواطف شیعیان
 بود.
 از این گذشته، ابوالعباس، «ابو مسلمه»
 خلیل را که از بزرگان شیمان کوفه بشمار
 می رفت (۲) به عنوان وزیر انتخاب کرد
 و لقب «وزیر آل محمد» را به
 وی داد.
 ابوسلمه کرایه های آشکاری نسبت به
 طویان داشت، از این رو ابوالعباس از او
 بیستگ بود و مأموران محلی برای کنترل
 عملیات او گماشته بود.

پایه از صفحه ۲۲

با حکومت عباسیان آغاز مبارزه شیعیان

اساس دوا انگرا سیاسی، دست یفین کاری
 زده بود.
 انگره نخست، موقعیت او در میان
 مردم خراسان بود که طرفدار عباسیان
 بودند.
 انگیزه دوم، محبوبیت او در میان
 شیعیان بود، و گویا ابوالعباس از انتخاب
 او، بیشتر تحت تأثیر انگیزه دوم بود، و
 جلب حمایت شیعیان را در نظر داشت و
 اگر او را «وزیر آل محمد» لقب داد
 (نه وزیر بنی عباس!) نیز به همین جهت
 بود و این لقب، با نام گزاری کاخ
 هاشمیه، از یک ریشه سرچشمه می-
 گرفت.
 این بود گوشه هائی از تلاشها و شکوه
 های سیاسی عباسیان (پس از پیروزی بر
 بنی امیه) به منظور آرام ساختن شیعیان
 و جلب حمایت آنان، اما همذاین گوشهها
 می نمراند و شیعیان که سالها با امویان
 مبارزه کرده بودند، اینبار نیز مبارزه را با
 عباسیان آغاز کردند ...

اصولا انتخاب ابوسلمه به این سمت،
 برخلاف میل باطنی ابوالعباس بود و بر-